



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶ / ۰۱ / ۲۱

یونس نگاه

برتری غرب ابدی نیست

چند روز پیش گزارش ویدیویی یک تلویزیون امریکایی را از دهه ۱۹۷۰ تماشای می‌کردم که به وضعیت امریکایی‌های مقیم ایران پرداخته بود. در آن گزارش گفته شده بود که بیش از ۳۰ هزار امریکایی در ایران مقیم بوده‌اند. بخش کلان آن جمعیت کودکان و زنان بوده‌اند. مثل پروژه لشکرگاه افغانستان، متخصصان امریکایی با خانواده‌هایشان در تهران، اصفهان، شیراز و جاهای دیگر اقامت داشته‌اند.

بخشی از آن گزارش به وضعیت زندگی امریکایی‌ها و رابطه‌شان با ایرانیان پرداخته بود. نگاه زنان، مردان و کودکان امریکایی در آن گزارش نسبت به ایرانیان از بالا به پایین، زکی به کندهن، مترقی به عقب‌مانده بود. زنان از محدودیت‌های اجتماعی و عدم امکان تماس با مردم محل شکایت داشتند، کودکان از نبود امکانات، و مردان از کند ذهنی و عقب‌ماندگی ایرانیان. یک پیلوت امریکایی که برای تربیه پیلوت‌های ایرانی آمده بوده و سابقه جنگ در ویتنام هم داشته، می‌گفت ایرانیان در آموزش پیلوتی بسیار کردند و او از کارش خسته شده است.

در آن گزارش‌ها ایران کشور کاملاً مصرفی، ناتوان در علم و با جمعیت کم‌هوش و فرهنگ عقب‌مانده تصویر شده است، طوری که کسانی با تماشای آن گزارش‌ها شاید تصور می‌کرده‌اند که اگر متخصصان امریکایی و اروپایی ایران را ترک کنند، مردم دوباره به گاو چرانی و خردوانی بر خواهند گشت.

اما ایرانیان در محیط‌شده‌ها دچار محدودیت‌های بین‌المللی (تحریم‌های امریکا و غرب) و داخلی (دانش‌ستیزی ملاها) پس از خروج امریکایی‌ها نه تنها پیلوتی را آموختند، بلکه پهباد ساختند، راکت‌های میان‌برد و دوربرد ساختند، تولیدات صنعتی خود را توسعه دادند، و حتی به گل سرسبد دانش عصر (انرژی هسته‌ای) تشبث کردند.

تصور برتری اخلاقی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی غرب به متخصصان و سیاستمداران محدود نمانده است. فیلسوفان و فرهنگیان غربی نیز به این مرض آغشته‌اند. سلای ژبژک که چپ و منتقد امپریالیزم غربی است و خود را مارکسیست ناکموننیست می‌خواند، پارسال در یک سخنرانی از ضرورت دوام استعمار در افریقا دفاع کرد. او گفت پایان استعمار در افریقای جنوبی و حاکمیت حزب کنگره برای آن‌کشور فاجعه‌بار بوده است. به گفته او سیاه‌پوستان هنوز آماده رهبری جامعه نشده بودند و باید تغییر تدریجی صورت می‌گرفت. او از گرسنگی و فساد جاری در افریقای جنوبی برای اثبات دیدگاهش یاد کرد.

رفتار سیاستمداران، شرکت‌ها، رسانه‌ها و بخشی از فرهنگیان غربی با مساله فلسطین و همدلی آشکار و پنهان آنان با اسرائیل هم از همان نگاه برتری‌جویانه نشأت می‌گیرد.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاره ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولی

آن ذهنیت به ما شرقی‌ها هم سرایت کرده است. برگشت چین به میدان علم و اقتصاد برای غربی‌ها اول شوخی بود، بعد تعجب‌آور شد و حالا ترسناک می‌نماید. در شرق هم مردم به آسانی باورشان نمی‌شود که چین غیر از کاپی و تولید انبوه کالاهای کم‌کیفیت هنر دیگری را هنوز آموخته باشد. حتی وقتی مکرون می‌گوید ما به سرمایه‌گذاری چین علاقه‌مندیم تا از آن طریق به رشد اقتصادی اروپا کمک شود و تکنولوژی از چین به اروپا انتقال یابد، وطنداران ما آن را شوخی تصور کرده می‌گویند چین هنوز در تکنولوژی چیزی ندارد که به دیگران انتقال دهد.

چین دانش، تکنولوژی و صنعت را طی این سال‌ها به تدریج بومی ساخته و حالا اختراعات و ابتکارات بسیار در سکتورهای گوناگون هرسال در چین رخ می‌دهد. تحول تکنالوجیک در دو سطح رخ می‌دهد. یکی تحول انقلابی از نوع اختراع ماشین بخار، شکستن هسته اتم، کشف برق، اختراع چرخ، باروت و کاغذ است. دیگری تحول هر روزه و تدریجی است که با افزودن یک مهره، کاهش یک وات انرژی، تسریع چند دقیقه تولید و معرفی کاربرد تازه یک ابزار یا ماشین قدیمی است. چین در هر دو این عرصه‌ها سابقه تاریخی و حال آشکار دارد. جغرافیا، نفوس، سنت‌ها و فرهنگ و سیاست چین آن سرزمین را از چند هزار سال قبل تا کنون کانون تمدنی ساخته است. نزدیک به هشتادسال است که چرخ تمدن در چین دوباره با قدرت به گردش افتاده است. غرب نخست آن را سرکوب کرده، بعد تحقیر کرده، پسان با آن وارد تعامل شده، ولی حالا کم‌کم با چشم‌های از حدقه برآمده تصدیق می‌کند که چین صاحب علم و تکنالوجی شده است و پس از این باید به داد و ستد علمی با چین اهمیت دهیم.

تمدن معاصر مدیون محققان، کارگران، سرمایه‌گذاران و دانشمندان غربی است. ولی غربی‌ها در خلا صاحب علم و تکنالوجی نشدند. آنان بر شانه‌های غول‌های پیش از خود ایستاده بودند. همه آن بزرگان و غول‌های علمی، غربی نبودند و نقش چین، هند و شرق‌میانه در شکل‌گیری تمدن کنونی انکارناپذیر است. مشت نمونه خروار، صفر را هندی‌ها معرفی کردند، چرخ و کاغذ و باروت و بسیار چیزهای دیگر را چینی‌ها، کشتی‌رانی و هندسه و حساب محصول تحولات تجاری و اقتصادی شرق‌میانه (از اناتولی تا شام و مصر و بین‌النهرین) اند. نقش خراسان و عراق و شام قرون وسطی در ریاضی، طب و کیمیا، و حفظ و انتقال فلسفه باستان به اروپای عصر رنسانس انکارشدنی نیست.

انحصار علمی و تکنالوجیک غرب گذرا بود و پس از این حتی در افریقا باید چشم‌به‌راه تکنالوجی‌های تازه و بومی باشیم. هیچ گروهی از آدم‌ها برتری ژنتیکی چنان چشم‌گیر بر سایر انسان‌ها ندارند که تفوق علمی و تکنالوجیک جمعیتی را برای مدت طولانی تضمین کند. جهان واقعا در حال تغییر است و کانون‌های تازه علمی و تکنالوجیک در حال شکل‌گیری می‌باشند.



آرشیف: نو یسنده در پورتال افغان جرمن آنلاین

د پانو شمېره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرو لو مخکې په څیر و لولئ